

باسمه تعالی

نزول پیوسته و منظم آیات سوره ها^۱

۱. مقدمه

برخی از محققان با توجه به روایات اسباب نزول معتقدند که نزول قرآن بر طبق احتیاجات و نیازهای تربیتی مردم، در شرایط و ظروف کاملاً مختلف نازل گردیده و هر چند آیه به مناسبتی در یک واقعه و بر طبق نیازمندی و احتیاج خاصی نازل گردیده است لذا آیات هر سوره نیز به تبع آن، با هم اختلاف دارند. این مطلب در اثر تکرار در کتب مختلف علوم قرآن و تفسیر، به طور نا خود آگاه مورد قبول اکثر محققان قرار گرفت. در حالی که به نظر می آید که این مطلب قابل نقد می باشد.

بنا به پژوهش برخی محققان در حدود هشتاد در صد اخبار اسباب نزول متعلق به کسانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده اند^۲ و بنا بر نظریه شخصی خویش، آیات قرآن را به رخدادهایی که قبل یا بعد نزول آیه رخ داده اند تطبیق می کردند و آن را به حساب سبب نزول آن آیه به حساب می آوردند^۳ و حتی در این موارد نیز عبارت «نزلت فی کذا» را به کار می بردند.^۴ از این رو مردم گمان می کردند که آیه نامبرده درباره همان حادثه نازل شده است. این عمل به تدریج سبب قطعه قطعه به نظر رسیدن سوره ها، سیاقها و حتی آیات قرآنی گردید و باعث شد که مسلمانان هر قطعه از کلام وحی را دارای تنزیلی مستقل بپندارند.^۵ بر همین منوال حتی در اذهان بسیاری دانشمندان علوم قرآنی چنین رسوخ کرد که نزول های قرآن بسیار متعدد و دارای پراکندگی فراوانی بوده به گونه ای که آیات سوره ها در چندین نوبت و در طول سالیان متمادی، بدون نظم خاص و فقط بر اساس شرایط نازل می شده تا بدانجا

۱. مطالب این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای محمد برزگر است که در رشته علوم قرآن و در دانشکده علوم قرآن تهران در سال ۱۳۹۰ دفاع شده است.

۲. نکونام، جعفر، در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، چاپ دوم، ۱۳۸۸ه.ش، ۱۵۱

۳. جوادی، عبدالله، تسنیم، پیشین، ۱۳/۵۳۸؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، پیشین، ۳/۳۸۱

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ه.ش، ۳/۳۷۵

۵. طباطبائی، محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، ۴/۷۴

که حتی عده ای، بسیاری از سوره ها را دارای معجونی از آیات مکی و مدنی می دانند!^۱

در حالی که باید دانست:

اولاً قرآن در فهم مقاصد خود هیچ نیاز و یا نیاز قابل توجهی به سبب نزول ندارد.^۲ که بخواهیم به طور افراطی به

این بحث پرداخته و حتی گاه برای آیات آن سبب نزول بسازیم!

ثانیاً از رهگذر نقل شفاهی و نیز تعمد یا سهو روایات پنج عیب آشکار در بسیاری از روایات اسباب نزول پدید

آمد: ۱- جعل؛ ۲- تحریف؛ ۳- نقل به معنا؛ ۴- تطبیق نابجا؛ ۵- تعارض

گاهی راویان چیزهایی را از پیش خود ساختند و به افرادی نسبت دادند و به اصطلاح به جعل حدیث روی

آوردند. گاه چیزهایی را از آنها کاستند یا بدانها افزودند و یا بر خلاف ساختند و اصطلاحاً در آنها تحریف به وجود

آوردند. هم چنین با عنایت به این که حدود هشتاد درصد روایات اسباب نزول متعلق به کسانی است که خود شاهد

نزول وحی نبوده‌اند، قصص اسباب نزول را نابجا بر آیات مربوط تطبیق دادند؛ لذا ملاحظه می‌شود که بسیاری از

روایات با ظاهر و سیاق آیات موافقت ندارد؛ از این عیب می‌توان به تطبیق نابجا تعبیر کرد.^۳

همچنین شیوع نقل به معنا، دخول اسرائیلیات در روایات، اعتماد چندان به اسباب نزول باقی نمی‌گذارد.^۴

افزون بر اینکه اختلاف مذاهب دینی هم در لحن این روایات اثر گذاشته و هر کسی آن‌ها را به سمت مذهب خود

سوق داده است تا مذهب خویش را با آن توجیه و تأیید کند. از دیگر سو جوهای سیاسی و اوضاعی که در هر

زمانی حاکم بوده اثری جدی در اخفای اصل حقایق داشته و آن‌ها را در هاله‌ای از ابهام نگه داشته است.^۵

۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، پیشین، ۷۲/۱-۸۱؛ البته آیت الله معرفت در جلد اول کتاب التمهید فی

علوم القرآن بخشی را به این بحث اختصاص داده و وجود آیه مدنی در سوره مکی، و یا آیه مکی در سوره مدنی را امری غریب و خلاف اصل دانسته و همه آنچه پیرامون این موضوع نقل شده را مطرح و با دلیل معتبر رد می‌کنند. ر.ک: معرفت، محمد هادی،

التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ۱۶۹/۱-۲۳۷

۲. طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ ه.ش، ۱۷۶

۳. نکونام، جعفر، پیشین، ۱۵۱-۱۵۲

۴. طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، پیشین، ۱۷۴-۱۷۵

۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۳۵/۱۳

همه این عیوب، عیب دیگری را به نام تعارض به همراه آورد؛ طوری که مشاهده می‌شود حتی از یک راوی، دو روایت متعارض ذیل یک آیه آمده است.^۱

ثالثاً اینگونه نیست که سبب نزول داشتن آیات مختلف سوره لزوماً ما را به پراکندگی آیات سوره‌ها معتقد کند چرا که هر کدام از این شأن نزول‌ها در صورت معتبر بودن می‌توانند قسمتی از «فضای نزول» سوره‌های قرآن را مشخص کنند. «فضای نزول» که مربوط به مجموع یک سوره است بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. سوره‌های قرآن هر چند گاهی متصلاً و زمانی منفصلاً و در صورت تقطیع و انفصال، گاهی در کوتاه مدت و زمانی در میان مدت و هنگامی در دراز مدت نازل می‌شدند اما هر کدام به منزله فصل جدیدی از هدایت الهی بودند که با نزول آیه کریمه «بسمله» گشوده می‌شد و با نزول «بسمله» سوره بعد، پایان می‌پذیرفت و بر شرایط خاص حاکم بر فضای نزول خود و حوادث رخ داده در این مدت و در محدوده زندگی مسلمانان و جهان خارج تأثیر گذاری می‌کرد.^۲

هر چند مطمئن‌ترین راه برای کشف زمان خاص نزول سوره‌ها، تدبر در سیاق آیات سوره و بهره‌جویی از قرائن و امارات داخلی و خارجی است؛^۳ و فهم دقیق مفاهیم سوره راهنمای مناسبی برای کشف فضای نزول سوره‌ها است اما می‌توان برای تفصیل بیشتر آن از احادیث و تاریخ نیز استفاده کرد. از این رو برای کشف تفصیلی فضای نزول سوره‌ها، بررسی مسائل مهم فرهنگی، اعتقادی و تاریخی مقطع نزول سوره و جمع‌بندی اسباب نزول معتبر آیات سوره می‌تواند سهم خوبی داشته باشد.^۴ لذا اگر با کمی دقت و از این منظر به سراغ سوره‌های قرآن برویم حتی در برخورد با بزرگترین سوره‌های قرآن و احیاناً اسباب نزول مختلف آیات آن به پراکندگی و آشفتگی نزول آیات آن حکم نمی‌کنیم. به عنوان مثال با تدبر در سیاق آیات سوره مبارکه آل عمران - که دومین سوره بلند قرآن بوده و شامل ۲۰۰ آیه است - و توجه به پیوستگی‌های محتوایی و نظم خاص آیات سوره حتی این نظریه بعید برای

۱. نکونام، جعفر، پیشین، ۱۵۲

۲. جوادی، عبدالله، تسنیم، ۲۳۶/۱-۲۳۷

۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۳۵/۱۳

۴. جوادی، عبدالله، تسنیم، پیشین، ۳۸/۲

ذهن نیست که این سوره نیز یکباره نازل شده باشد.^۱ اما از سوی دیگر با توجه به مفاهیم پیوسته آیات سوره و مدد از تواریخ و اسباب نزول معتبر و مؤید به آیات می توان فضای نزول سوره را شناخت و تأثیر هدایتی آیات این سوره با چینش و انسجام خاص خود را بر فضای نزول آن درک کرد.^۲ و یا به عنوان مثالی مهمتر و تأثیر گذار تر، با همین تحلیل، حتی می توان سخن از فضای نزول بزرگترین سوره قرآن که در طول بیش از یک سال نازل شده است به میان آورد، انسجام و هدف واحد و جامع برای تمامی آیات آن قائل شد و تأثیر هدایتی این آیات منسجم را بر فضای نزول خود ذکر کرد.^۳

چنانکه دیدیم از منظری که بیان شد، هم می توان از اسباب نزول ساختگی آیات دوری کرد، هم در پرتو نگاه منسجم به سوره ها و کشف فضای نزول سوره ها فهم صحیح و جامع تری از اسباب نزول معتبر آیات داشت.

۲. دلایل نزول پیوسته و منظم آیات سوره ها

با دقت در آنچه بیان شد پذیرش نزول منظم سوره های قرآن، امری ممکن و قابل تصور تلقی خواهد شد؛ لذا برخی مفسران، محققان علوم قرآن و پژوهشگران تاریخ اسلام قائل به این نظم شده و آن را چنین بیان می کنند: بعضی از سوره ها با نظم خاص خود به صورت یک باره نازل و بعضی دیگر به صورت تدریجی نازل می شد به این شکل که نخست بخش اول سوره در یک نوبت نازل می گشت؛ و بخش دیگر در نوبت دیگری فرود می آمد تا پایان سوره و وقتی که «بسمله» نازل می شد روشن می گشت که سوره قبلی پایان یافته و سوره جدیدی آغاز شده است.^۴

خدای متعالی در بیان چگونگی نزول قرآن می فرماید:

۱. ن. ک: طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۳۵/۱۳

۲. ن. ک: جوادی، عبدالله، تسنیم، پیشین، ۴۵-۴۰/۱۳

۳. ن. ک: پیشین، ۶۲-۳۳/۲

۴. بهجت پور، عبدالکریم، پیشین، ۷۷-۷۸؛ العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۱۲؛ نکونام، جعفر، در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ه. ش، ۸۵-۱۰۲؛ سمیح نزال، عمران، الوحده التاريخیه للصور القرآنیة، دمشق، دارالقراء، چاپ اول، ۱۴۲۷ ه. ق، ۲۵

«وَقُرْ آنَا فَرَقْنَاهُ لَتَقَرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»^۱

این آیه شریفه نشان می دهد که قرآن، به تدریج و قسمت قسمت بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می شد و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم به همین ترتیب قطعه های نازل از قرآن را بر مردم قرائت می کرد. اما نکته حائز اهمیت این است که قطعات نازل قرآن سوره ها بوده است یا آیات؟ اگر این قطعات آیات بوده؛ آیا این آیات بدون نظم و ترتیب درون سوره ای نازل گشت و بعدها بر خلاف ترتیب نزول، در سوره ها جمع آوری گشت؟ یا آنکه آیات با همان نظم و ترتیبی که درون سوره ها قرار گرفته است نازل شده اند؟ و یا آن که قطعات نازل از قرآن سوره ها بوده است، و در واقع قرآن، سوره سوره نازل شده و هر سوره جداگانه فرود آمده است؟

در ادامه با دلایل قرآنی، روایی و تاریخی مشخص خواهد شد که قرآن هم به صورت سوره ای و هم آیه ای نازل شده است. مواضعی که قرآن به صورت سوره نازل شده است؛ همان سوره هایی است که به صورت کامل و یکباره نازل شده اند که برخی محققان تعداد این گونه از سوره ها را ۳۶ سوره می دانند^۲ و مواقعی که قرآن به صورت آیه ای نازل شده است اینگونه نبوده که در بین آیات یک سوره، آیاتی از دیگر سوره های قرآن نازل شده باشد بلکه بدین منوال بوده که آیات یک سوره به طور پیوسته اما در چند مقطع زمانی پشت سر هم نازل شده است. در واقع می توان چنین بیان کرد که اصلی ترین واحد نزول قرآن، سوره ها بوده اند که این سوره ها یا یکباره نازل شده و یا اینکه در چند مقطع زمانی پشت سر هم به طور تدریجی اما پیوسته و منظم نازل شده اند.^۳

۱-۲. دلایل و شواهد قرآنی

برای نزول منظم و پیوسته آیات سوره ها می توان قرائن و شواهدی از قرآن اقامه کرد از جمله:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ»

۱. اسراء، ۱۰۶؛ ترجمه: و قرآنی که آن را بخش بخش فرو فرستادیم تا آن را با درنگ بر مردم تلاوت کنی، و آن را به تدریج فرو فرستادیم.

۲. رجبی، محسن، پیشین، ۲۵۴

۳. بهجت پور، عبدالکریم، پیشین، ۷۷-۷۸؛ العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۱۲؛ نکونام، جعفر، پیشین، ۸۵-۱۰۲؛ سمیح نزال، عمران،

پیشین، ۲۵

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا^۱

در این آیه خداوند متعال، شبهه ای را از سوی کافران مطرح می کند و آن اینکه، چرا آن فرشته ای که وحی را می آورد و برای پیامبر ﷺ می خواند همه را تا به آخر و یکباره نمی خواند؟ خلاصه، چرا آیه به آیه، و سوره به سوره، همچنان نمی خواند تا بعد از مدتی همه اش تمام شود؟

وحی الهی در پاسخ به این شبهه، نزول تدریجی قرآن را تأیید کرده و علت این مطلب را تثبیت فؤاد پیامبر اکرم ﷺ بیان می کند^۲ و آنگاه برای تکمیل مطلب و در واقع برای پاسخ به این شبهه که نزول تدریجی و وجود

۱. فرقان/۳۲؛ ترجمه: و آنان که به پیام الهی کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر محمد نازل نشده است؟ (این پراکندگی آیات قرآن نشانه این است که او خود، آنها را به مناسبت رویدادها می بافت و به خدا نسبت می دهد). آری، ما آیات قرآن را این گونه (به تدریج و به مناسبت حوادث) نازل می کنیم. (تا آن را به شکل بهتری در دل تو جای دهیم و) بدین وسیله قلب تو را به تعالیم قرآن سخت استوار سازیم. با این حال، بخشی از آن را در پی بخشی دیگر می آوریم. (تا پیوند و ارتباط آنها با یکدیگر حفظ شود).

۲. علامه طباطبائی در توضیح این مطلب چنین بیان می دارند: تعلیم، غیر از تثبیت در فؤاد است. آری، فرق است بین اینکه طبیب یک مساله بهداشتی را به شاگرد خود (بطور نظری) یاد دهد و بین اینکه همین مساله را در بالین مریضی (بطور عملی) به او بیاموزد و از مریض نشانه های مرض را بپرسد و او پاسخ دهد و این پاسخ و پرسش را با قواعدی که به شاگرد درس داده تطبیق کند که در این صورت آنچه می گوید با آنچه می کند تطبیق کرده است.

از اینجا معلوم می شود که القای یک نظریه علمی در هنگام احتیاج و رسیدن هنگام عمل در دل شاگردی که می خواهد آن را بیاموزد بهتر ثبت می گردد و در قلب می نشیند، و پا بر جاتر هم خواهد بود، یعنی به زودی فراموش نمی شود، مخصوصاً در معارفی که فطرت بشری هم مؤید آن باشد و بشر را بدان رهنمون شود که در چنین معارفی فطرت، آماده پذیرفتن آن است، چون نسبت به آن احساس احتیاج می کند، (نظیر همان القائاتی که استاد طب به شاگرد خود در بالین مریض می کند)

معارف الهی که دعوت اسلامی متضمن آن بوده و قرآن کریم به آن ناطق است شرایع و احکامی است عملی و قوانینی است فردی و اجتماعی که حیات بشریت را با سعادت همراه می کند، چون مبنی بر اساس اخلاق فاضله ای است که مرتبط است با معارف کلی الهی که آن نیز بعد از تجزیه و تحلیل به توحید منتهی می گردد، هم چنان که توحید هم اگر ترکیب شود به صورت همان معارف و دستورات اخلاقی و احکام عملی جلوه می کند.

در چنین مکتبی بهترین راه برای تعلیم و کامل ترین طریق و راه تربیت این است که:

آن را به تدریج بیان نماید و هر قسمت آن را به حادثه ای اختصاص دهد که احتیاجات گوناگونی به آن بیان دارد و آنچه از معارف اعتقادی و اخلاقی و عملی که مرتبط با آن حادثه می شود بیان کند، و نیز متعلقات آن معارف از قبیل اسباب عبرت گیری و پندگیری از سرگذشتهای گذشتگان و سرانجام کسانی که به غیر آن دستور عمل کردند و سرنوشت طاغیان و مشرکینی که از عمل به آن معارف سرپیچی نمودند، را بیان نماید.

فاصله بین قطعات نزول قرآن، باعث گسست و پراکندگی مطالب و از بین رفتن اثر مطالب گذشته در اثر گذشت زمان می شود؛ چنین بیان می دارد: **"وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا"**^۱. "رتل" به معنای نظم و ترتیب چیزی در عین استواری آن^۲ و یا نظم و ترتیب زیبا بوده و همچنین ترتیل کلام، خوب چیدن و مرتب کردن آن است^۳ بر این اساس و با توجه به سیاق، معنای ترتیل در آیه مورد نظر، تقدیر و چیدن قطعات نزول قرآن با نظم خاص و به سمت هدفی واحد است^۴. از این رو بنا به دیدگاه علامه طباطبائی معنای این فراز از آیه چنین می شود: ما این قرآن را با اینکه بر حسب وقایع، حوادث و مقتضیات، سوره سوره و آیه آیه نازل کردیم اما کمال نظم و ترتیب بین آنها را نیز حفظ کردیم لذا قرآن در نزول تدریجی خود به صورت آیات و سوره هایی است که پشت سر هم و به صورت مرتب و با نظم خاص نازل شده است.^۵

تا به حال با توجه به آیه شریفه ۳۲ از سوره مبارکه فرقان فهمیدیم هر چند نزول قرآن تدریجی بوده اما این گونه نبوده که به طور پراکنده و آشفته نازل شده باشد بلکه در عین نزول تدریجی به بهترین نظم، چینش و ترتیب نازل شده است. اما با در نظر گرفتن شواهدی دیگر از قرآن کریم به روشنی در می یابیم که این نظم در نزول تدریجی قرآن قطعاً نظم سوره ای و ترتیب آیات در سوره ها بوده است.

اتفاقاً قرآن کریم هم همین رویه را دارد، یعنی آیات آن هر یک در هنگام احساس حاجت نازل شده، در نتیجه بهتر اثر گذاشته است، هم چنان که خود قرآن فرموده: **"وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا"** (اسراء، ۱۰۶) و نیز همین معنا مورد نظر آیه مورد بحث است که می فرماید: **"كَذَلِكَ لِنُنَبِّئَ بِهٖ فَوَآدِكُمْ"** (طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۱۰-۲۱۱/۱۵)

۱. همان، ۲۱۱/۱۵

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، پیشین، ۲۴۱

۳. مصطفوی، حسن، ۴۷/۴

۴. ایبیری، ابراهیم، الموسوعه القرآنیه، مؤسسه سجل العرب، ۱۴۰۵ه.ق، ۴۱۶/۱۰؛ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ه.ش، ۵۴/۳

۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۱۱/۱۵؛ مصطفوی، حسن، پیشین، ۴۸/۴

در توضیح این قرائن باید چنین بیان کرد که، وقتی قرآن کریم تحدی خود را منحصر به کل قرآن^۱ سوره ها^۲ کرده پس می توان فهمید که از دیدگاه قرآن، تنها کل قرآن و سوره های آن کلام معجز خداوند هستند که خصم از اتیان مثل آن عاجز است و دیگر بخشهای قرآن به مانند آیات، در داخل یک سوره و در کنار یکدیگر مصداق کلام الهی می باشند. این مطلب به ما می فهماند که بعد از کل قرآن، معتبرترین واحد این کتاب الهی سوره های آن می باشد. حال پرسش جدی این است وقتی خداوند نزول قرآن را با نظم و ترتیل خاص معرفی می کند و از سوی دیگر سوره را - نه آیه و یا بخش دیگری از قرآن- مصداق کلام خود دانسته، چگونه می توان پذیرفت که وقتی هنوز یک سوره تمام نشده آیاتی از سوره یا سوره های دیگر نازل شود؟! آیا می توان پراکندگی در کلام خداوند(سوره ها) را پذیرفت؟ آیا این مصداق آشفتگی و عدم نظم و ترتیل در کلام خدا نیست؟

همه این مطالب ما را به این سو رهنمون می کند که اصل اولی در نظم و ترتیل نزول قرآن، سوره ها بوده است یعنی اینکه بعضی سوره ها با نظم ویژه خود، یکباره نازل شده اند و بعضی دیگر از سوره ها با همان نظم مختص خود اما در چند مرحله پشت سر هم و به طور تدریجی نازل شده؛ بدون اینکه با آیات سوره دیگر تداخل بکنند.^۳ از این رو خلاف این بحث، دلیل معتبر و متقن می خواهد.

مطالب بیان شده آنگاه در ذهن مخاطبان وحی الهی هر چه بیشتر استوار خواهد شد که با بیان همین کتاب الهی بفهمیم که تلقی از نزول قرآن آن هم در میان معاصران نزول، چه مؤمنان و چه حتی منافقان رخنه کرده در آن این چنین بوده که قرآن، سوره سوره نازل می شده نه آیه آیه آن هم پراکنده؛ لذاست که آیه شریفه ۲۰ از سوره مبارکه محمد ﷺ درخواست مستمر مؤمنان زمان نزول را - با صیغه مضارع «يقول»- نزول سوره دانسته و چنین بیان می دارد

۱. اسراء/ ۸۸

۲. بقره/ ۲۳؛ یونس/ ۳۸

۳. سمیح نزال، عمران، الوحدة التاريخية للسور القرآنية، دمشق، دارالقراء، چاپ اول، ۱۴۲۷ه.ق، ۲۵

«وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ»^۱

و از سوی دیگر آیه ۶۴ از سوره مبارکه توبه نشان می دهد، چنان این مطلب در جامعه صدر اسلام بروز روشن داشته که منافقان نیز اثرات دائم نزول سوره های قرآن را دیده و لذا به طور مستمر در هراس از نزول سوره ای در افشاء درون ناپاک خود بوده اند:

«يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ»^۲

همه آنچه از آیات شریفه قرآن بیان شد، در مجموع نشان می دهد که اصل در تقسیمات قرآن و بالتبع در نزول آن، سوره ها بوده است. البته باید بیان کرد که پایان یک سوره و آغاز سوره ای دیگر و در واقع فصل بین نزول سوره ها نیز با نزول خود قرآن و با آیه شریفه «بسمله» - چنانکه در ادامه خواهد آمد - مشخص می شده است.

۲-۲. دلایل روایی و تاریخی

در جوامع روایی فریقین، روایاتی نقل شده که از آنها مشخص می شود که در زمان صدر اسلام، شروع و پایان سوره ها با نزول آیه شریفه «بسمله» تبیین و فهمیده می شد. این مطلب نظم سوره ای و با مرز مشخص «بسمله» در نزول قرآن را نشان داده و آشفتگی و پراکندگی در نزول آیات را رد می کند. این روایات در کتب شیعه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

قال أبو عبد الله عليه السلام إِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ انْقِضَاءُ السُّورَةِ بِنَزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرَى^۳

در این روایت که در کتب معتبر شیعی نقل شده؛ حضرت راه منحصر^۴، مستمر و همیشگی^۵ شناخت ابتدا و

۱. محمد/۲۰؛ ترجمه: و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: چرا سوره ای که بیانگر مطالبی جدید است فرو فرستاده نمی شود؟
۲. توبه/۶۴؛ ترجمه: منافقان از این بیم دارند که سوره ای از قرآن بر ضد آنان نازل شود و آنان را از آنچه در دل دارند (کفر و سوء قصد به تو) خیر دهد.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، پیشین، ۱۹/۱؛ المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۲۰/۸۲؛ نوری، میرزا حسین، پیشین، ۱۶۵/۴؛ ترجمه: امام

صادق علیه السلام فرمودند: مستمراً و فقط، پایان یافتن یک سوره و ابتدای سوره دیگر با نزول آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود.

۴. با به کار بردن ادات حصر "إنما"

۵. با به کار بردن ماضی استمراری "كان يعرف"

انتهای سوره های قرآن را نزول آیه شریفه بسمله می داند.

اهل تسنن نیز از قول ابن عباس، ابن مسعود و سعید بن جبیر اخباری را با این مضامین نقل کرده اند:
یک گروه از این نقلها که از قول ابن عباس است علم پیامبر اکرم ﷺ به پایان سوره ها- با تعبیر مختلف فصل
السوره، خاتمه السوره و ختم السوره- را به طور دائمی با نزول آیه شریفه بسمله می داند. و البته در بعضی از همین
نقلها آگاهی ایشان به شروع سوره بعد از هم زمان با پایان یافتن سوره قبل و با همان نزول آیه شریفه بسمله می داند.
این اخبار بدین شرحند:

عن ابن عباس قال كان النبي لا يعرفُ فصلَ السورةِ حَتَّى تنزلَ عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

عن ابن عباس قال كان النبي لا يعرفُ خاتمةَ السورةِ حَتَّى ينزلَ عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فإذا نزلت عرف
أنَّ السورةَ قد ختمت و استقبلت أو ابتدئت سورةً أخرى^۲

عن ابن عباس قال كان النبي لا يعرف ختم السوره حتى ينزل عليه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فإذا نزلت عرف ان
السورة قد ختمت و استقبلت أو ابتدئت سورةً أخرى^۳

دسته دوم از نقلها که سعید بن جبیر برخی را از قول ابن عباس و برخی را خود نقل کرده، راه شناخت دائمی
پیامبر اکرم ﷺ به نزول سوره جدید و راه معرفت مستمر مسلمانان صدر اسلام را برای پایان یافتن یک سوره نزول

۱. السجستانی، ابن الأشعث، سنن أبي داود، تحقيق و تعليق : سعيد محمد اللحام، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ
اول، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱/۱۸۳؛ ترجمه: از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ انقطاع سوره را نمی فهمید تا اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد.

۲. الهیثمی، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی جا، ۱۴۰۸هـ.ق، ۲/۱۰۹؛ ترجمه: از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ
خاتمه سوره را نمی فهمید تا اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، پس هنگامی که این آیه نازل می شد؛ می فهمید همانا
سوره قبلی پایان پذیرفته و سوره دیگری آغاز شده است.

۳. ابن الحجر العسقلانی، فتح الباری فی شرح البخاری، بیروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، بی جا، بی تا، ۳۹/۹؛ ترجمه: از ابن عباس
نقل شده است که مسلمانان ختم سوره را نمی فهمیدند تا اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، پس هنگامی که این آیه نازل
می شد؛ می فهمید همانا سوره قبلی پایان پذیرفته و سوره دیگری آغاز شده است.

آیه شریفه بسمله می داند.

عن ابن عباس إن النبی کان إذا جاءه جبرئیل فقرأ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» علم أنها سورة^۱

عن ابن عباس قال کان المسلمون لا يعرفون انقضاء السورة حتى تنزل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فإذا نزلت

عرفوا أن السورة قد انقضت^۲

عن سعید بن جبیر إن المؤمنین فی عهد النبی کانوا لا يعرفون انقضاء السورة حتى تنزل بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فإذا نزلت علموا أن قد انقضت السورة و نزلت أخرى^۳

و آخرین دسته از این اخبار که از قول ابن مسعود نقل شده به صراحت راه آگاهی فصل بین آیات دو سوره را

نزول بسمله می داند.

عن ابن مسعود قال کنا لا نعلم فصل ما بین السورتین حتی نزل بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۴

نکته مهمی که در این روایات و نقلها به چشم می خورد این است که همه آنها راه شناخت سوره را با فعل

ماضی استمراری بیان می کنند و این بدین معناست که این راه شناخت مختص به چند مورد خاص نبوده است بلکه

۱. الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی چا، بی تا، ۲۳۱/۱؛ ترجمه: از ابن عباس

نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ هر زمان که جبرئیل به سوی او می آمد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را قرائت می کرد، می فهمید که سوره ای آغاز شده است.

۲. همان، ۲۳۲/۱؛ ترجمه: از ابن عباس نقل شده است که مسلمانان، خاتمه سوره را نمی فهمیدند تا اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، پس هنگامی که این آیه نازل می شد؛ می فهمیدند که قطعاً سوره قبلی پایان پذیرفته است.

گفتنی است صاحب مستدرک، این نقل را با لحاظ شروط شیخین صحیح می داند.

۳. ابن عبد البر، التمهید، تحقیق مصطفی بن أحمد العلوی و محمد عبد الکبیر البکری، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامیه، بی چا، ۱۳۸۷ه.ق، ۲۰/۲۱۱؛ ترجمه: از ابن عباس نقل شده است که در دوران پیامبر اکرم ﷺ، مسلمانان خاتمه سوره را نمی فهمیدند تا

اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، پس هنگامی که این آیه نازل می شد؛ می فهمیدند که قطعاً سوره قبلی پایان پذیرفته و سوره دیگری نازل شده است.

۴. الواحدی النیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول الآیات، القاهرة، مؤسسة الحلبي و شرکاه للنشر و التوزیع، بی چا، ۱۳۸۸ه.ق، ۱۰؛

ترجمه: از عبدالله بن مسعود نقل شده است که ما فصل بین دو سوره را نمی فهمیدیم تا اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد.

راه همیشگی شناخت ابتدا و انتها سوره های قرآن بوده است لذاست که در برخی از این نقلها به طور کلی این امر به دوران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت داده شده است (فی عهد النبی)؛ همچنین در برخی از نقلها این امر، راه شناخت برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (کان النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و در برخی راه شناخت برای مسلمانان (کان المسلمون) معرفی شده است؛ لذا مشخص می شود این امر، مطلبی فراگیر و روشن در بین عموم امت اسلامی بوده است از همین روست که در روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام این مطلب به صورت مجهول بیان شده است (كَانَ يُعْرَفُ).

۳. نقد دلالتی روایات معارض

ممکن است گفته شود آنچه بیان شد؛ با اخباری که چیدن آیات در سوره ها را به دستور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می داند؛ معارض است. این نقلها بنا به تحقیق برخی پژوهشگران فقط سه خبر می باشد.^۱ چنانکه در ادامه خواهد آمد؛ در دو خبر از این اخبار، مشخص کردن مکان آیات ۲۸۱ سوره بقره و ۹۰ سوره مبارکه نحل به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت داده می شود. و در ابتدای خبر اول و در خبر سوم که از عثمان بن عفان نقل شده، این امر به طور کلی بدیشان، نسبت داده شده است.

قال ابن عباس : كان جبريل إذا نزل على النبي بالوحي يقول له : ضع هذه الآية في سورة كذا في موضوع كذا ،

فلما نزل عليه «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» قال : ضعها في سورة البقرة.^۲

عن عثمان بن أبي العاص قال كنت عند رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جالسا ... قال أتاني جبريل عَلَيْهِ السَّلَام فأمرني أن أضع هذه الآية

بهذا الموضع من هذه السورة «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»^۳

۱. نکونام، جعفر، پیشین، ۹۶

۲. اليعقوبي، احمد بن واضح، تاريخ اليعقوبي، بيروت، دارصادر، بی چا، بی تا، ۴۳ / ۲؛ ترجمه: ابن عباس گفت: هر زمان جبرئیل بر

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می شد به او می فرمود: این آیه را در فلان موضع از فلان سوره قرار بده؛ پس هنگامی که آیه «وَاتَّقُوا يَوْمًا

تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...» فرمود آن را در سوره بقره قرار بده.

۳. ابن حنبل، احمد، پیشین، ۴ / ۲۱۸؛ ترجمه: از عثمان بن ابی العاص نقل شده است که نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشسته بودم... ایشان

فرمودند: جبرئیل نزد من آمد و گفت آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» را در فلان موضع از این سوره قرار بده.

قال عثمان إن رسول الله ﷺ ... كان إذا أنزلت عليه الآية قال لبعض من يكتب اجعلوا هذه الآية في سورة كذا

وكذا^۱

از این اخبار ممکن است چنین استظهار شود که جایگاه آیات قبل از دستور پیامبر اکرم ﷺ مشخص نبوده در حالی که بنا به آنچه در این تحقیق آمد جایگاه آیات با نزول منظم سوره ها کاملاً مشخص می شد و هر آیه و یا مجموعه آیات که بعد از آیه و یا مجموعه آیاتی دیگر نازل می شد، به ترتیب پشت سر آیات قبلی قرار می گرفت تا اینکه سوره با نزول آیه شریفه بسمله به اتمام می رسید.

در پاسخ به این شبهه باید گفت که اولاً این روایات نوعاً هم از لحاظ سند عیوبی دارد و هم روایات معارض دارد^۲ ثانیاً اگر از این اخبار، آشفتگی در نزول آیات سوره ها فهمیده شود این مطلب با دلایل قرآنی، روایی و تاریخی پیش گفته در تعارض است. از سوی دیگر معقول به نظر نمی رسد آیاتی از یک سوره نازل شود و بعد نزول آن سوره متوقف گردد و سوره های دیگری نازل شود؛ سپس بعد از سالها به سوره اول مراجعه شود و آن کامل گردد! و باز معقول به نظر نمی رسد آیه یا آیاتی نازل گردد و پیامبر این آیات را علی حده و جدای از دیگر آیات رها کند^۳ و لذا این روایات با این مضمون را نمی توان پذیرفت و آن را مبنای قرآن شناسی قرار داد.

البته شاید بتوان چنین برداشت کرد که منظور این روایات از جایگذاری آیات، بنا به دستور پیامبر اکرم ﷺ نظارت، تأکید و یادآوری ایشان به همان ترتیب نزول آیات در سوره ها بوده نه آنکه بخواهند ترتیب جدیدی به آیات بدهند که اتفاقاً این برداشت در خبر دیگری که آن هم به مانند خبر سوم از قول عثمان بن عفان نقل شده آمده است.

عن عسعس بن سلامة قال قلت لعثمان... ما بال الأنفال و براءة ليس بينهما «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قال كانت تنزل السورة فلا تزال تكتب حتى تنزل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فإذا جاءت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» كتبت سورة

۱. الطبرانی، المعجم الأوسط، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ه.ق، ۳۲۸/۷؛ ترجمه: عثمان گفت: همانا رسول خدا ﷺ هر گاه آیه ای برایشان نازل می شد؛ به بعضی از کاتبان می فرمودند: این آیه را در فلان سوره قرار دهید.

۲. ن.ک: نکونام، جعفر، پیشین، ۹۷-۱۰۲

۳. العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۱۳

أخرى فنزلت الأنفال و لم تكتب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۱

در پایان می توان چنین بیان کرد که اصل اولیه در هر سوره، وحدت نزول سوره یا پیوستگی دفعات نزول مجموعه آیات آن است، و خلاف این قاعده قرآنی و روایی، دلیل محکم و روشن می خواهد.^۲ لذا اگر در موردی دلیل محکمی بر، بر هم خوردن این قاعده داشتیم؛ می توان آن را از باب استثناء و تخصیص پذیرفت. و چنانکه اشاره شد و بنا به تحقیق محققان فن این موارد بر فرض صحت بسیار نادر و البته زیر نظر مستقیم شخص پیامبر اکرم ﷺ بوده است.^۳

۴. سوره مزمل، تدریجی النزول اما منظم و پیوسته

در این قسمت برای عینی شدن مطالبی که بیان شد نگاهی به سوره مبارکه مزمل می اندازیم. این سوره مبارکه به طور قطع تدریجی النزول بوده زیرا آیه ۲۰ آن خبر از شب زنده داری پیامبر اکرم ﷺ و طائفه ای از مؤمنان همراه او می دهد؛ این مسأله نشان می دهد که آیه ۲۰ کمی بعد از آیات اولیه سوره که پیامبر اکرم ﷺ را امر به شب زنده داری می کند نازل شده است؛ زیرا چنانکه می بینیم دستور شب زنده داری در آیات اولیه همین سوره آمده بود پس قطعاً باید مدتی از بیان این دستور گذشته باشد تا پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان همراهشان بتوانند این دستور را امتثال کرده و آنگاه خدای متعالی در آیه ای جدید (آیه ۲۰) خبر از این امتثال بدهد.^۴

۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، بی جا، بی تا، ۲۰۸/۳؛ المتقی الهندی، علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ه.ق، ۵۸۰/۲؛ ترجمه: عسعس بن سلامه گوید: من به عثمان گفتم: چرا میان انفال و برائت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیست؛ گفت: سوره نازل می شد و پیوسته کتابت می گردید تا این که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نزول می یافت، وقتی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، سوره ای دیگری کتابت می گشت. انفال نازل شد؛ ولی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نوشته نشد.

۲. شاکر، محمد کاظم، علوم قرآنی، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸ه.ش، ۱۸۸

۳. ن.ک: سمیع نزال، عمران، پیشین، ۲۵-۲۷ و ۸۱-۸۳؛ بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، پیشین، ۷۷-۸۱؛ العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۱۸؛ معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ۲۷۵-۲۸۰

۴. این امتثال دقیقاً به همان دستورات اول سوره بر می گردد زیرا اولاً در آیه ۲۰ خبر می دهد که آنان یک سوم، نصف یا دو سوم بیدار می شدند «أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثُهُ» که این امتثال دقیقاً مطابق با دستور خداوند متعالی در اول سوره است که به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد که نصف یا کمی بیشتر یا کمتر از نصف به شب زنده داری قیام کند «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۲۰﴾ نِصْفَهُ أَوْ

با آنچه بیان شد، مشخص شد که آیه ۲۰ مدتی بعد از آیات ابتدایی سوره آمده است. حال چنانکه موضوع بحث این قسمت بود سؤال این است که آیا این امر موجب اعتقاد ما به پراکندگی و بی نظمی این سوره و یا حتی سوره های دیگر قرآن در نزول و چینش می شود؟ با کمی دقت در آیات سوره و مشاهده کمال پیوستگی و یکپارچگی آنها، پاسخ به این سؤال منفی خواهد بود. از این رو در ادامه فهم منسجم این سوره مبارکه را با مدد خود آیات سوره ارائه می دهیم تا چرایی این پاسخ روشن گردد.

چنانکه می بینیم این سوره در ابتدا به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور قیام در شب^۱ و ترتیل قرآن^۲ جهت دریافت وحی الهی^۳ را می دهد. و آنگاه در راه ابلاغ وحی الهی دستور به ذکر خدا و انقطاع از همه به سوی او^۴، توکل^۵ و صبر بر گفتار مردمان^۶ و دوری گزیدن زیبا از ایشان^۷ داده و در ادامه ایشان را امر به واگذاری کار مکذبان رسالت به خدای متعالی^۸ می کند.

در این هنگام وحی الهی تغییر خطاب داده و مکذبان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را عتاب می کند و آنان را به عذابی به

انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۲۰﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ «ثانیاً در آیه ۲۰ آنجا که می خواهد تخفیف در دستور به مؤمنان را بیان کند سخن از قرائت قرآن به مقدار میسر به میان می آورد» **فَاقْرَأْ وَوَأْمَأ تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ** و این دقیقاً بازگشت به همان خواندن قرآن شبانه است که در ابتدای سوره مطرح شد. یعنی در هر دو مشخص است که قیام شبانه برای خواندن قرآن مطرح است که برای مؤمنان به مقدار میسر باید صورت بگیرد.

۱. **قُمِ اللَّيْلَ**، آیه ۲

۲. **وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا**، آیه ۴

۳. **إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا**، آیه ۵؛ این آیه در مقام بیان علت دستور قیام در شب در آیه اول است (طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۶۲/۲۰)

۴. **وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا**، آیه ۸

۵. **فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا**، آیه ۹

۶. **وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ**، آیه ۱۰

۷. **وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا**، آیه ۱۰

۸. **وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ...** آیه ۱۱

مانند عذاب فرعون که پیامبرش را عصیان کرد، هشدار می دهد.^۱ و در آخر این هشدارها را تذکری برای پیمودن راه الهی معرفی می کند.^۲

دستور ابتدای سوره به پیامبر اکرم ﷺ^۳ و چنانکه گذشت برای آمادگی جهت دریافت وحی الهی بود^۴ اما آن گروه از مؤمنان که طائفانه همراه پیامبر اکرم ﷺ بودند به تاسی از ایشان شروع به امتثال این دستور الهی کردند^۵، لذا آیه ۲۰ به عنوان آخرین آیه از سوره بعد از گذشت مدتی از نزول آیات اول نازل شد و چنین بیان کرد که: علیرغم تاسی مؤمنان به پیامبر اکرم ﷺ، خدای علیم از آن رو که می داند همگان و به طور مستمر یارای ادامه قیام در شب و تلاوت قرآن در آن را ندارند؛ این وظیفه را از دوش شما برداشت لذا مؤمنان می توانند این امر را به مقدار میسور تبعیت کنند.^۶ خداوند متعال در ادامه به تفصیل همین مطلب پرداخته و بیان می کند که: خدا می داند که سختیهایی به مانند مریضی، کسب روزی و قتال در راه خدا، پیش روی بعضی از فراد امت قرار خواهد گرفت^۷ لذا نمی توانند به مانند پیامبر اکرم ﷺ همه، خود را ملزم به قیام بخش زیادی از شب کنند؛ از این رو لازم است این امر را به مقدار میسور امتثال کنند.^۸ البته وحی الهی در پایان تذکری به مؤمنان داده و می فرماید که هر چند قیام و قرائت قرائت قرآن شبانه را به شما تخفیف دادیم اما وظایف اصلی خود در مسیر رسالت که همانا شامل اقامه نماز و دادن

۱. إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْدًا وَبِيَلًا، آیه ۱۵-۱۶

۲. إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، آیه ۱۹

۳. يَا أَيُّهَا الْمُرْمِلُ قُمْ اللَّيْلَ، آیه ۱-۲

۴. إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا، آیه ۵

۵. إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ...، آیه ۲۰

۶. عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ، آیه ۲۰

۷. عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ...، آیه ۲۰

۸. ...فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ، آیه ۲۰

زکات است؛ را فراموش نکنید.^۱

آنچه با استفاده از آیات سوره و توجه به پیوستگی های آن بدست آمد؛ نشان داد که محور اصلی آیات این سوره، دریافت و ابلاغ قرآن و امر رسالت است. این سوره به منظور فراهم سازی زمینه پیشبرد امر خطیر رسالت، نخست مهمترین رکن این جریان یعنی رسول خدا ﷺ را مخاطب قرار داده است و ایشان را به ترتیل قرآن در شب و صبر در این مسیر با توکل به خدا توصیه می کند (آیات ۱-۱۴)؛ در گام دوم مکذبانان را که با تکذیب رسول در این مسیر مانعیت ایجاد می کنند، مخاطب قرار داده و ایشان را نسبت به تکذیب رسول هشدار می دهد (آیات ۱۵-۱۹). و در آیه پایانی سوره، راهکار همراهی مؤمنان با پیامبر در این زمینه را تبیین می کند.

۱. ... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَقَرُّوا بِرُضْوَانِ اللَّهِ قَرُّوا حَسَنًا... آیه ۲۰